

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و سوم

بهار ۱۴۰۲

نقش انجمن ایالتی آذربایجان و روزنامه انجمن تبریز در ادبیات عصر مشروطه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱/۳۰

- ۱ سعید آتشبار
 ۲ منیژه صدری
 ۳ سیدمحمود سادات
 ۴ منیره کاظمی راشد

آثار ادبی دوره مشروطه - اعم از نظم و نثر - نقش خطیری در فراز و فرود نهضت مشروطیت ایفا کرده است. این آثار هم بر نهضت مشروطیت تأثیر داشت و هم از آن متأثر شد. آثار ادبی پدید آمده در تبریز در راستای اقدامات انجمن ایالتی آذربایجان و با انگیزه‌ی تقویت روحیه اصلاح‌خواهی مردم، برای نخستین بار موضوعات و مضامینی را مطرح ساخت که به شکست پندارهای کهنه و تجلی اندیشه‌های نو در حیطه علم و فرهنگ انجامید و زمینه‌ی پذیرش نواندیشی و بیداری را فراهم آورد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مجموعه‌ی کامل شماره‌های «روزنامه انجمن تبریز» و مجموعه «اسناد شخصی امیرحسین نیک پور»

۱. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (saeed.forouhar@yahoo.com).
 ۲. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (manijehsadri@gmail.com).
 ۳. گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران، تهران، ایران (sadat@ri-khomeini.ac.ir).
 ۴. گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (kazemirashed@yahoo.com).

کوشیده است نقش آثار ادبی عصر مشروطه در تبریز و جایگاه آن در تقابل سرنوشت ساز اندیشه‌های کهنه و نو را که در نهایت به تداوم سنت‌های پیشامشروطه و شکست نوآوری‌ها انجامید، بکاود.

کلیدواژگان: نهضت مشروطیت، انجمن ایالتی آذربایجان، روزنامه انجمن تبریز، امیرحسین نیک‌پور، نزاع سنت و تجدد.

مقدمه

نهضت مشروطه ایران (۱۳۲۴ق) یکی از سرنوشت‌سازترین تحولات تاریخ کشور ما به شمار می‌رود و مانند هر انقلاب، نقطه عطف و تحولی شد که نهادها و زیرساخت‌های اجتماعی را دگرگون کرد. دوران حکومت ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) را باید آغاز مبارزه فعال ایرانیان با حکومت استبدادی و شروع دوران تدارک مشروطه‌خواهی دانست.

ادبیات کهن ایران که تا نیمه دوم قرن سیزدهم هجری در چارچوب یک نظام استبدادی بسط و تکوین یافته بود، توانست در تماس فزاینده با دنیای جدید، از قلمرو سنت‌های گذشته و مضامین کهن ادبی که در چارچوبی از قواعد یک‌نواخت، مکرر و ملال‌آور فرسوده شده بود، خارج شود و اندیشه‌های نوینی در آن پدیدار گردد. این امر آغازی برای تجدید حیات ادبی شد. آثار متنوع به وجود آمده با وجود برخورداری از مایه‌های گذشته ادبی، دارای ویژگی‌ها و خلاقیت‌هایی است که خود بازتابی از تحولات حیات اجتماعی و چشم‌اندازها و آرمان‌های ملت ایران در یک‌صد سال گذشته است. پیرو همین اقدامات و در خلال مبارزات مشروطه‌خواهی در آذربایجان، با ظهور مصنفان خوش‌قریحه و پرمایه که سخن را در روانی و استواری به اوج اعتلای خویش رساندند، مفاهیم نوینی مثل آزادی و قانون، توجه عامه به خود گرفت و در ادبیات میهنی به صورت یک ادبیات سیاسی و منتقد متبلور شد. در قالب نوشته‌ها، سبک ساده‌نویسی پدیدار شد.

نوشته‌ها به زبان محاوره‌ای و عامیانه آن روزگار تحریر شد و همه این‌ها عللی شد تا مردمانی که گویا در چند سده، حرف و حضوری در دنیای معاصر خود نداشتند، به یک‌باره خواستار تعیین سرنوشت خویش شوند.

پیشینه پژوهش

موضوع این مقاله، تمرکز بر اهمیت نقش انجمن ایالتی آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) و *روزنامه انجمن تبریز* (۱۳۲۴-۱۳۲۷ق) در حیطه ادبیات مردمی عصر مشروطه است. این موضوع علی‌رغم جایگاه خاص آذربایجان در رویدادهای انقلاب مشروطه و اهمیت ادبیات در تبریز، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی از آثار که به بخش‌هایی از این موضوع توجه نموده‌اند، عبارتند از:

تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدرهاشمی (۱۳۴۴) کتابی است در چهار مجلد که به معرفی مجلات و روزنامه‌های منتشر شده از ۱۲۵۳ق. تا ۱۳۲۰ش. در ایران می‌پردازد. نویسنده در انتهای جلد اول، اطلاعات مفیدی درباره *روزنامه انجمن تبریز* ارائه داده است.^۱ مسعود کوهستانی نژاد در دوره پنج جلدی *مشروطیت ایران و رمان فارسی* از دو بُعد فرهنگی و سیاسی به بررسی تحولات جامعه مشروطه پرداخته و ظهور وجه فرهنگی آن را مقدم بر پیروزی وجه سیاسی آن دانسته است. همچنین از اثرپذیری ایرانیان از تحولات ادبی دنیای جدید و افزوده شدن ژانر داستان‌نویسی مدرن به ادبیات ایران سخن به میان آورده است.^۲ قیصر امین‌پور در کتاب *سنت و نوآوری در شعر معاصر با نگاهی فراتر از سنت‌گرایی و مدرنیسم، سنت و نوآوری و چگونگی پیوند پویای آن‌ها را به عنوان مهم‌ترین مسأله در جوامعی که دوره گذار را پشت سر می‌گذارند، نگرینده است.^۳*

۱. صدرهاشمی، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۱، ص ۲۸۶-۲۸۸.

۲. کوهستانی نژاد، *مشروطیت ایران و رمان فارسی*، ج ۱، ص ۱-۱۱.

۳. امین‌پور، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، ص ۱-۲۳.

یعقوب آژند نیز در کتاب خویش با عنوان *انواع ادبی در ایران امروز* آغاز ادبیات امروز ایران را از دوره مشروطه دانسته و این ادبیات را روح قرن جدید ایران بازتاب داده است.^۱ همچنین کتاب *انسان در شعر معاصر* از محمد مختاری در بررسی اندیشه‌ها به طرح مبانی نظری سنت و نوآوری در فرهنگ معاصر پرداخته است.^۲ نویسندگان غربی همچون ادوارد براون در کتاب *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* به معرفی ادبای عصر مشروطه و بررسی آثار آن‌ها، روزشمار وقایع انقلاب مشروطه ایران (تمام حوادث داخلی و بین‌المللی نهضت مشروطیت) و تاریخ مطبوعات ایران یعنی شب‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و مجلات هفتگی و ماهیانه با روشی انتقادی و خصوصیات اجتماعی و ارزش علمی، ادبی و تاریخی آن‌ها پرداخته است. به علاوه تصاویر گران‌بهای بسیاری از اسناد و کاریکاتورهای جالب مطبوعات را ارائه داده است.^۳ در این مقاله سعی شده است تا با ارائه مطالبی از *روزنامه انجمن تبریز* و اسنادی جدید در رابطه با نقشی که انجمن تبریز در ادبیات عصر مشروطه عهده‌دار بود، زوایایی از موضوع بیان گردد.

گشودن درهای تجدید

دوران قاجار (۱۱۹۳-۱۳۴۳ق) آغازگر مقطعی جدید در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی ایران بود که ویژگی‌های خاصی را به ساخت سیاسی - اجتماعی کشور افزود و جلوه‌های خاصی از حیات فرهنگی معاصر ایران را پدید آورد.^۴ این دوره مقارن بود با حرکت نوخاسته‌ای از مدرنیسم و نوگرایی که مهم‌ترین خصیصه آن، همگون‌سازی روزافزون با شیوه‌های زندگی و ارزش‌های اروپایی بود؛ چه به صورت واقعی و یا خیالی،

۱. آژند، *انواع ادبی در ایران امروز*، ص ۴۱-۱۰۴.

۲. مختاری، *انسان در شعر معاصر*، ص ۱۱۴-۱۶۰.

۳. براون، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۲، ص ۳۴۷-۴۶۷.

۴. براون، *نامه‌هایی از تبریز*، ص ۵۷.

عمیق یا سطحی، دلبخواهی و یا الزامی.^۱ در کنار این پدیده‌ها، گاهی برخورد نوعی بورژوازی ملی با مطامع روزافزون استعماری را نیز از انگیزه‌های اساسی بیداری و آگاهی ملی در ایران دانسته‌اند.^۲

همجواری ایالت آذربایجان با دول روسیه و عثمانی، تماس روزافزون مردم با ممالک اروپای غربی در پی رفت و آمد روشنفکران به اروپا و ورود دستاوردهای فرهنگی غرب به ایران، موجب انتقال عقاید و آرای آزادی‌خواهی به آذربایجان و سایر ایالات ایران شد. علی‌رغم تفاخر تحصیل‌کردگان و روشنفکران ایرانی به عظمت و شکوه تاریخ و تمدن پیشین سرزمین خویش، در ذهن این قشر، احساس حقارتی از انحطاط اندیشه‌های گذشته به وجود آمده بود^۳ که عامل تحولات شتاب‌انگیزی شد که اوج آن در پیروزی نهضت مشروطه و ورود ایران به عرصه‌های بین‌المللی اتفاق افتاد.

پریشانی و نابسامانی اوضاع اجتماعی ایران در پی جنگ‌های ایران و روسیه (۱۲۱۸-۱۲۴۳ق)، دادن امتیازهای فراوان به خارجی‌ان، گسترش نفوذ و دخالت قدرت‌های استعماری، گسترش ستمگری شاهزادگان و حاکمان ولایات، آگاهی تدریجی مردم ایران از پیشرفت‌های مغرب‌زمین و تلاش برای همگام شدن با سیر تحولات جهان را می‌توان از مهم‌ترین عوامل از دست رفتن تعادل جامعه سنتی ایران به حساب آورد. بر همین اساس، به جرأت می‌توان وقوع نهضت مشروطه و پیروزی آن را به یک تعبیر، گویای فقدان تعادل سنتی در جامعه و نشان‌دهنده لزوم استقرار تعادلی نوین به حساب آورد.^۴

۱. آژند، انواع ادبی در ایران امروز، ص ۱۴.

۲. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۱۰، ۲۰-۲۵.

۳. صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱، ص ۱۹-۲۰.

۴. قاضی مرادی، خودمداری ایرانیان، ص ۲۲۶.

تردیدی وجود ندارد که تغییر در الگوهای نظری و شیوه تفکر رایج در آن زمان و نوع نگرش‌ها و باورهای مذهبی و فلسفه سیاسی - اجتماعی اندیشمندان و خردورزان آن عصر به همراه ده‌ها عامل ذهنی و فکری دیگر، به اضافه شرایط عینی مسلط بر جامعه، در پیدایش، شکل‌گیری و اثربخشی نهضت مشروطیت دخالت داشته‌اند.^۱ می‌توان شرایط معیشتی، وضع اقتصادی، طبقاتی، ساخت اجتماعی، نظام حکومتی، نوع سیاست‌گذاری آن، شرایط اقلیمی، جغرافیایی، طبیعی، سیاسی و انسانی را از جمله این عوامل برشمرد که در آثار و احوال جامعه آن روزگار ظاهر می‌گردد.

مشکل آمد حلّ عقد مسئله	شه رعیت پرورد حکم و له
در تکاپو ظالم اندر هروله	چشم عادل رفته اندر خواب خوش
ظلم را گشته فروزان مشعله	عدل را خاموش گردیده چراغ
این همه ز ارکان دولت حوصله	این همه بر رعیت ظلم و ستم
گر ترا جز عدل باشد مشغله	دین دولت گر همی خواهی مخواه
عدل و داد آویزه باشد مرسله ^۲	گردن گوش عروس مُلک را

این چنین بود که با فروپاشی باورهای سیاسی و اجتماعی گذشته، پیوندها و وابستگی‌ها، هنجارها و ارزش‌های فرهنگ سنتی دگرگون شد و به دنبال آن، ذهنیت جدیدی به وجود آمد و خواستار ترویج ارزش‌های نوینی شد که مشخصات ذهنی و فرهنگی ساختار استبدادی قدیم را برنمی‌تافت. از این روی، تحولات شگرفی در سطح جامعه، سیاست، فرهنگ و ادب ایران به وجود آمد که توانست تأثیری بارز بر سیمای تاریخ‌نگاری عصر مشروطه باقی بگذارد.

۱. گودرزی، دین و روشنفکران مشروطه، ص ۱۷-۱۸.

۲. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک‌پور، فقدان عدل و داد، بی‌تا.

مجاری متعددی در اثنای وقوع انقلاب مشروطه شکل گرفت که مردم از طریق آن‌ها درهای تجدد و مدرنیسم را به روی خود گشودند. اهمّ این موارد به قرار زیر است:

۱. اعزام دانشجویان به غرب برای تحصیل

نهضت مشروطیت اساسی‌ترین دگرگونی و اصلاحات سیاسی - اجتماعی ایران را پدید آورد که زمینه‌های این حرکت مردمی را بایست در تمام مبارزات آزادی خواهانه و استبدادستیزانه ملت ایران در طول تاریخ جست. اما مقدمات اصلی آن در عصر قاجار فراهم آمد. روی کار آمدن سلسله قاجار (۱۱۹۳ق) همراه با شرایط جدید جهانی و تغییر مناسبات سیاسی و اقتصادی جهان و ظهور دول استعمارگر و مهم‌تر از همه، آگاهی ملت ایران و ادامه حیات کشور، همه عواملی بودند که به ناچار پایه‌گذاری یک رشته نوسازی را باعث گردید. برای رسیدن به همین اهداف بود که اقداماتی صورت گرفت و نهایتاً زمینه ساز وقوع مشروطیت شد. همه چیز با اعزام چند دانشجو به خارج شروع شد. عباس میرزای قاجار (م ۱۲۴۹ق) که سخت خواهان مدرنیزه کردن ایران بود، در مرحله نخست افرادی را برای آموختن کارها و هنرهای لازم به خارج از ایران اعزام کرد.

۲. رواج صنعت چاپ

همزمان با اعزام دانشجو به مغرب زمین، افراد دیگری هم که از دور و نزدیک ناظر چنین تحوّل وضع و روحیه‌ای بودند، کمر همّت بر بستند و در صدد جلب اسباب و وسایل کارهای تازه برآمدند. از آن جمله میرزا زین العابدین تبریزی بود که به سال ۱۲۳۱ق. چاپخانه حروفی را از راه روسیه یا عثمانی وارد و در تبریز دایر کرد که در سال ۱۲۳۲ق. رساله جهادیه میرزا بزرگ قائم مقام^۱ را انتشار داد. سال بعد از آن، میرزا صالح شیرازی کازرونی (م ۱۲۵۵ق) از وابستگان دستگاه قائم مقام - که او را برای کسب معارف تازه با

۱. رک: میرزا بزرگ قائم مقام، رساله جهادیه، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی،

شماره ۱۳۰۰۷، بی تا.

چند تن دیگر به انگلستان فرستاده بودند - در موقع مراجعت به ایران به ذوق خود چاپخانه کوچکی از انگلیس به ایران آورد و در تبریز به کار انداخت و به تأسیس نخستین روزنامه با عنوان *کاغذ اخبار*^۱ اقدام کرد. به تبع آن، مدرسه و ترجمه و تئاتر و داستان نویسی نیز در ایران پیدا شد.^۲

۳. به عرصه رسیدن شخصیت‌های اثرگذار در داخل و خارج ایران

به علت نبودن شرایط مناسب، جریان نوسازی کشور با مشکلات جدی روبه‌رو شد. اگر چه به کندی پیش می‌رفت، هرگز نایستاد و توسط تنی چند از شخصیت‌های هواخواه اصلاحات دنبال گردید. میرزاتقی‌خان امیرکبیر (م ۱۲۶۸ق) هنگامی که صدر اعظم ناصرالدین شاه (۱۲۴۷-۱۳۱۳ق) بود، اصلاحاتی گسترده را در کشور آغاز کرد. تأسیس دارالفنون (۱۲۶۶ق) که به همت او جامه عمل به خود پوشید، موجب فزونی عده آگاهان در آن روزگار گردید. ظهور رجالی همچون میرزا حسین خان سپهسالار (م ۱۲۹۸)، یوسف خان مستشارالدوله (م ۱۳۱۳)، امین الدوله (م ۱۳۲۲) و اعتضاد السلطنه (م ۱۲۹۷) که از جمله آزادی خواهانی بودند که هر کدام در اصلاح امور اداری و ترویج فرهنگ جدید، بار وظیفه‌ای سنگین را بر دوش گرفتند، در کنار افرادی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی (م ۱۳۱۴) که سفرهای او به ایران و تبلیغاتش بر ضد استبداد - که با کوشش پیروان و مریدان وی همراه بود - هر یک در بیداری و آگاهی ایرانیان اثری انکارناپذیر داشت.^۳

۱. رک: میرزا ابوطالب خان، *مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان*، به کوشش حسین خدیو، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۲.

۲. طباطبائی، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، ص ۱۵-۲۵؛ شمس لنگرودی، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، ج ۱، ص ۱۸-۳۸.

۳. ذاکر حسین، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، ص ۲۸-۴۳.

همچنین تلاش وقفه‌ناپذیر برخی روشنفکران خارج از ایران و کسانی مانند آخوندزاده (م ۱۲۹۵)، طالبوف (م ۱۳۲۸)، زین العابدین مراغه‌ای (م ۱۳۲۸)، میرزا آقاخان کرمانی (م ۱۳۱۴)، میرزا حبیب اصفهانی (م ۱۳۱۱) و میرزا ملکم خان ارمنی (م ۱۳۲۶) که با اطلاع از وخامت اوضاع کشور، یک دم از پای نمی‌نشستند و از طریق روزنامه و کتاب با زبانی ساده از مسائل مختلف اجتماعی بحث می‌کردند، از جمله کوشش‌هایی بود که سخت در روشنی اذهان خوانندگان آن روز و پیدایی اندیشه‌های آزادی‌خواهانه مؤثر افتاد و باعث گردید که محیط ایران کم‌کم تغییر کند و برای قبول بعضی تفکرات جدید آماده شود.^۱

۴. انتشار روزنامه‌های جدید به سبک مدرن

انقلاب مشروطه در بطن خود، مردم‌گرایی را ترویج می‌کرد و هر آن‌چه که بویی از مردم‌گرایی داشت در متن این انقلاب برجسته می‌شد. یکی از این موارد، رواج صنعت روزنامه‌نگاری بود. روزنامه و روزنامه‌نویسی در جریان نهضت مشروطیت به اصلی‌ترین عامل پیوند با مردم بدل شد تا آن‌جا که غیر از چاپ نخستین روزنامه‌های داخلی در عهد قاجار، سخت‌گیری‌های حکومتی سبب شد آزادی‌خواهان و ایرانیانی که در خارج از ایران اقامت داشتند با انتشار روزنامه‌هایی در جهت تنویر افکار مردم و بیداری آنان تلاش کنند. روزنامه‌های *اختر*، *قانون*، *حکمت*، *ثریا*، *پرورش*، *حبل‌المتین* و *عروة الوثقی* از این زمره‌اند که در اسلامبول، کلکته، قاهره و لندن منتشر می‌شدند.^۲

۵. رشد علوم انسانی در جامعه

جنبش مشروطیت که به عنوان یک جریان آزادی‌خواهی مطرح بوده و هست، روندی از خودشناسی، خردگرایی و خرافه‌ستیزی را در جامعه ایرانی تکوین بخشید که از عهد

۱. زرین کوب، چشم‌انداز شعر نو فارسی، ص ۱۱-۱۲؛ حقوقی، مروری بر تاریخ ادب و ادبیات

امروز ایران، ص ۱۶.

۲. مجیدی، تاریخچه و تحلیل روزنامه‌های آذربایجان، ص ۱۹۷.

مشروطیت به عنوان دوره خودشناسی و خودباوری مردم ایران نام برده شد.^۱ این نهضت، تحوّل بنیادی در عرصه‌های فکری، علمی، سیاسی و اجتماعی برای جامعه ایرانی به ارمغان آورده، توانست سرآغازی برای بیداری و آگاهی مردم از حق خویش در حیطه‌های مختلف فکری باشد؛^۲ همان مردمی که در اثر نامردی‌های بی‌شمار، ضعیف و در نتیجه سیاست‌های طولانی، بد دل‌سرد شده بودند (خصوصاً که پس از قرن‌ها ظلم و اختناق سرانجام متوجّه وضع فلاکت‌بار خود شدند)، با جدیت تمام در بر طرف کردن آن می‌کوشیدند.^۳

برای نمونه، این اشعار پر طمطراق و چکامه‌های پر درد را در آثار به جای مانده از این عصر می‌توان یافت:

دیشب صنم ماه جبینم ز در آمد	با خوش خبر آمد
با زلف معطر چو نسیم سحر آمد	با مشک تر آمد
خندان و خرامان و گل‌افشان به بر آمد	با خوش خبر آمد
که ایام غم و محنتم امروز سر آمد	با خوش خبر آمد
آوازه مشروطه‌طلب تا به سماء شد	به به چه بجا شد
شاهنشاه ایران ز شهی رفت گدائی	به به چه بجا شد
تاجش بزمین آمد و تختش به هوا شد	به به چه بجا شد
این ذلت و این نکبتش از دادگر آمد	با خوش خبر آمد
قانون اساسی بنوشتند و سر آمد	با خوش خبر آمد
ما طالب مشروطه و مشروطه‌پرستیم	هر قدر که هستیم

۱. سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران، ص ۲۱-۲۳.

۲. کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۳.

۳. براون، نامه‌هایی از تبریز، ص ۲۸.

با حکم خدا امر نبی عهد بستیم
یکباره بجستیم
صد شکر که از پنجه ظلام برستیم
آزاده نشستیم

مشروطه فدای تو و قربان عدالت
ما تابع حکم تو و فرمان عدالت
حق حافظ قانون و نگهبان عدالت^۱

و این گونه بود که مشروطیت مجال بازبینی واقع‌گرایانه چیزهایی را پدید آورد که ایرانیان تا پیش از آن، در سایه استبداد و جهل برآمده از آن، تجربه کرده و دریافته و مقبول دانسته بودند. گذشته تاریخی و بخش وسیعی از افکار، آداب و فرهنگ ایران برای نخستین بار مورد تأمل اهل اندیشه قرار گرفت و از جهات مختلف به نقد کشیده شد^۲ که یکی از مهم‌ترین نتایج آن، پیدایش آرای انتقادی در جنبه‌های مختلف، از جمله در حوزه ادب بود که تقابل اساسی و فراگیر میان اندیشه‌های کهنه و نو را دامن زد و به نتایج مهمی رسید.^۳ این امر نیازمند نگرشی عقلانی، همچنین جسارتی بسیار بود که نخبگان مشروطه و اعضای انجمن ایالتی آذربایجان تا حد زیادی از آن برخوردار بودند. آن‌ها با اتکا بر همین خصوصیات، در نخستین واکنش رسمی، توقف سنن و رسومات عهد سابق را در نمره ۷ مورخ ۲۴ رمضان ۱۳۲۴ ق. ذکر کردند و خواستار آن شدند:

هدف از تشکیل انجمن ترویج تمام احکام شرعیه و نشر رسومات ادب و

انسانیت است و حرکات بی‌قاعدده و ناملائمات بکلی موقوف و رسومات

غیرمشروعه عهد سابق را متروک نمایند.^۴

۱. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک‌پور، مدح نهضت مشروطه و تقبیح پادشاه ایران، بی‌تا.

۲. براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ج ۲، ص ۴۶۴.

۳. دستغیب، گرایش‌های متضاد در ادبیات معاصر ایران، ص ۱۷۳.

۴. انجمن، س ۱، ش ۷، ص ۲.

این اعلان انتقادی، تأکید خاصی بر سلوک غیرمؤدبانه و اقدام خودسرانه داشت و این گونه اقدامات را نوعی استبداد بیان می‌کرد.

در ادامه، انگیزه قوی پیشرفت و رهایی کشور از عقب‌ماندگی تاریخی و زدودن آثار آن، پیشروان مشروطه را به جست و جوی علل و راه‌های رهایی از آن واداشت. تحت تأثیر چنین شرایطی، انجمن ایالتی آذربایجان و ارگان رسمی آن *روزنامه انجمن تبریز*، ضمن درج و انتقاد در شماره‌های متعدّد به القای این مهمّ پرداخته، با تأکید، توقّف برخی خرافات را از مردم خواستار شد:

ممنوع کردن استفاده از قاب و قدح در مراسم تعزیه‌خوانی، موقوف نمودن صرف چای در مجالس فاتحه‌خوانی و تعزیه‌داری که آن را همت در وطن‌پرستی ذکر کردند و قند و چای خارجه را که موجب خانه‌خرابی ملت ایران است کمتر صرف نموده، پول مملکت را در منفعت خارجه مصرف نکنند.^۱

این امر برآیند طبیعی نهضتی بود که پس از قرن‌ها می‌خواست مایه دگرگونی‌های اساسی شود و زمینه ترویج ذهنیت و افکار نو را فراهم سازد و مردم را رودرروی شرایطی تازه قرار دهد؛ شرایطی که در بستر آن بتوان به دور از خرافه و نگاه احساسی با سنت‌های دیرپا و الزامات آن برخورد نمود.

۶. تحوّل در نثر و جهت‌گیری آن به سوی ساده‌نویسی در آثار ادبی عصر مشروطه

نهضت مشروطیت یکی از حوادث مهمّ و بی‌نظیر تاریخ و ادب ایران است که زیربنای فکری آن، از چند دهه پیش‌تر آغاز گردید و سعی در بیان اهمّیت آزادی و قانون و همین‌طور آگاه ساختن مردم این سرزمین از اوضاع تأسف‌آورشان داشت. این نهضت نه تنها یک انقلاب سیاسی بود، بلکه مسائل اقتصادی و اجتماعی را نیز با خود به همراه داشت و

۱. انجمن، س ۱، ش ۲۵، ص ۴.

انقلاب ادبی نیز به شمار می‌رفت. با تکیه بر همین اصل می‌توان گفت آثار ادبی دوره مشروطه، نقش بزرگی در فراز و فرود نهضت مشروطیت در آذربایجان ایفا کرده است. این آثار و نوشته‌ها که در راستای بیدارگری و اصلاحات آن روزگار در *روزنامه انجمن* به همّت منتقدان ارائه می‌شد، هم بر مشروطه و مشروطیت اثر گذاشت و هم از آن متأثر شد؛ از لحاظ کمیّت بسیار نبود ولی از نظر کیفیت، مؤثرترین عامل نهضت از نظر آگاهی و بسط اندیشه‌های مردمی به شمار می‌رفت.

آغاز تحوّل در آثار منسوب به این دوران را زمانی باید به حساب آورد که جامعه ایرانی در پی آشنایی با فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به فکر احیای حقوق از دست‌رفته خود در زمینه‌های اجتماعی برآمد و به دنبال یک رشته قانون‌خواهی‌ها و کشمکش‌های سیاسی، پا به پای پیش رفت و سرانجام آن، که به شکل‌گیری حلقه‌های روشنفکری در ایران منتهی شد، موفق شد نوع حکومت دلخواه خود را که در آن دوره حکومت مشروطه بود، برگزیند:

شکر خدای را که برای ما لطف حق نمایان گردید

مشروطه ستانندیم و این دیگر عنوان گردید

ضدّ مشروطه ذلیل گشت و پریشان گردید

بر اهل مشروطه در این عالم تسلط عیان گردید

زنده باد ملت مشروطه ایران زنده باد

جملگی مجاهدان مشروطه هر آن زنده باد^۱

حجم بیشتر این آثار که نخستین بار با پیشگامی روشنفکران ایرانی در ارتباط مستقیم با توده مردم به شیوه سهل معانی و تلقیح افکار جدید به وجود آمد، جهت‌گیری‌های اجتماعی بود و با نقد سنت‌های ادبی گذشته، ضرورت تحوّل در آثار و ادب دیرین فارسی

۱. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک‌پور، مشروطه از آغاز تا سرانجام، بی‌تا.

را خاطر نشان می‌کرد و می‌توان گفت این آثار ادبی، حاصل اندیشه‌ها بود تا حاصل تجربه.^۱ بدین گونه، مقارن با اوج‌گیری نهضت مشروطه در ایران، آثار نوینی با ایده‌ها و نظریه‌های متفاوت پای به عرصه وجود گذاشت و به خاطر مشخصه‌هایی که داشت - ترویج اندیشه و نظام مبتنی بر قانون - بعدها به «آثار ادبی مشروطه» نامبردار شد.^۲

ویژگی‌های چندی دست به دست هم دادند تا ساده‌نویسی را در تاریخ‌نگاری ایران رواج دهند. ذکر این نکته لازم است که شکل‌گیری نثر ساده در این آثار فقط محصول تحوّل در به‌کارگیری در سطح واژه نبود. عوامل متعددی در این تحوّل نقش داشتند که اهمّ آن‌ها به قرار زیر است:

الف) هنجارشکنی در قالب و محتوا

تحوّل در نثر، محصول تحوّل در محتوا بود. یکی از ویژگی‌های آثار ادبی عصر مشروطیت، سنّت‌شکنی بارز در نوشته‌ها بود که در جدال با اندیشه‌های کهنه، شکل و جان گرفته و به همین دلیل از همه جهت - چه از نظر شکل و چه از نظر محتوا - شدیداً تعرّضی، پرخاش‌گر و ویران‌گر بود؛ برای این که جای خود را باز کند، باید از تمام سنّت‌های گذشته انتقاد کند و برای این که انتقادش به دل بنشیند و بگیرد، غالباً با طنز و نیش‌خند همراه بود.^۳

گاهی تأثیر عمده بعضی از این طنزها فقط این بود که بلاهای سخت را هم آسان کند و بی‌اهمیت. اما طنز آمیخته به اغراض سیاسی که به انتقاد از معایب اجتماعی قدرت می‌بخشید، پدیده‌ای بود تازه و مخصوص به عهد ما؛ عهد مشروطه. طنز اجتماعی در واقع اعتراض بود به نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها که در یک جامعه هست؛ نهایت آن که گویی

۱. آژند، انواع ادبی در ایران امروز، ص ۳۴.

۲. یاحقی، چون سبوی تشنه، ص ۱۵-۲۲.

۳. مومنی، ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه، ص ۱۱۹-۱۲۰.

جامعه نمی‌خواهد این اعتراض‌ها را مستقیم یا بی‌پرده بشنود و به پرده‌پوشی و شوخی تمایل دارد؛ خواه بدان سبب که خود نویسنده جرأت ندارد بی‌رمز و کنایه انتقادش را به زبان بیاورد، خواه به سبب آن که احوال چیز جدی و صریح را نمی‌پسندد.^۱ بدین معنا، هر یک از این عوامل سببی بود برای پیدایش هجو و هزل یا طنز اجتماعی در آثار و نوشته‌های عصر مشروطه از زبان *روزنامه/انجمن* و میراثی از روشنگری فکری انجمن ایالتی در آذربایجان.

ب) ترویج آثار ادبی تعلیمی به ویژه در حوزه اخلاق

در کنار آثار ادبی و نوشته‌های هنجارشکن و منتقد، آثار و اندیشه‌های دیگر با مضمونی اخلاقی و پندآمیز نیز وجود داشت که اساس خطاب خود را به گونه‌ای فردی برآورده بود. این آثار از زاویه اخلاق فردی به انسان می‌نگریست و به یک تعبیر می‌پنداشت که جامعه در هر شکل و هر نظم‌ی که هست، باشد؛ مهم این است که فرد به اخلاق نیکو آراسته گردد.^۲ اهمیت این نوع آثار ادبی تا بدان جا بود که *روزنامه/انجمن* در شماره‌های متعدّد خویش به درج این اخلاقیات پندآموز پرداخته است:

گویمت یک حکایت شیوا	کن روایت بدوستان از ما
بود بالای قصر پادشهی	شیر خورشید بیرقی برپا
عَلَم اول نشانه شاه‌یست	کاحترامش کنند در هر جا
سیصد و بیست و شش هزار بعد	رفته از هجرت رسول خدا
در ششم روز از مه ذیقعد	تیره و تار گشت روی سما
چون ابابیل در حکایت فیل	لشکر حق فرود شد ز سما
چند تیر تفنگ خالی شد	نمودند هیچ از آن پروا

۱. فرجیان و نجف زاده بارفروش، *طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب*، ج ۳، ص ۸۰۲.

۲. مختاری، *انسان در شعر معاصر*، ص ۱۲۸.

خواه از این پند گیر خواه نگیر اندکی مانده تا شوی رسوا^۱

بدین گونه است که در دوره مشروطه، رسالت و کارکرد اندیشه‌ها به مرور تغییر یافت و آثار نویسندگان این دوره، اندک اندک از مسائل فردی و عوالم شخصی محض به معیارها، ارزش‌ها و اصول تازه‌ای گرایید که گاهی از مسئولیت ادبی سخن می‌گفت و بیشتر در پی اندرزهای فردی بود^۲ و آن بر اساس تجربه‌هایی بود که از تاریخ فرا گرفته بودند. چنان که در یک نمونه از اعلان‌های روزنامه *انجمن*، به صراحت بر این نکته تأکید شده است:

تمام فرنگان که هر فرقه باشند به هیچ چیز آنها امنیت و اعتماد جایز نیست. از دشمنی‌شان باید هراسید و با احتیاط باید حرکت نمود و از دوستی ایشان نباید بخیری امیدوار شد زیرا که معنای اعلی (دیپلومات) و (پولتیک) گول زدن و دروغ گفتن است و در تحصیل این فن بدیع، فرنگان همه از یک سرچشمه آب خورده، درس‌شان همه از روی یک کتاب و تماماً شاگرد یک دبستانند. واقعاً در دوستی خیلی سخت‌تر از دشمنی صدمه می‌زنند و نتیجه دشمنی‌شان تسخیر املاک و پایان دوستی‌شان دمار و هلاک است. پس شخص خردمند نباید از اینان چشم نیکی داشته باشد باید خود در پی کار خود باشد و درمان درد خود را از خود بجوید نه از دیگران.

از این قوم چشم بهی داشتند بُود خاک در دیده انباشتن^۳

۱. *انجمن*، س ۳، ش ۷، ص ۱؛ *انجمن*، س ۳، ش ۳۱، ص ۴.

۲. یوسفی، برگهایی در آغوش باد، ص ۵۰۱.

۳. *انجمن*، س ۱، ش ۲۵، ص ۱-۲.

ج) ورود مضامین دنیای مدرن به عرصه ادب در عصر مشروطه

بدین ترتیب در نوشته‌ها و آثار عصر مشروطه، موضوعات و مضامین جدیدی مطرح شد؛ از ایجاد بانک ملی و فروش ذخیره اموال زنان صحبت به میان آمد.^۱ زبان نوشته‌ها و اسلوب و طرز بیان مفاهیم، دگرگونی چشمگیری یافت و دیگر بنیادهای جامعه نیز متحول شد. نویسندگان و آثار آنان در خدمت مردم قرار گرفتند؛ موضوع و محتوای نوشته‌ها زیر و رو شد و واقعیات زندگی، دردهای اجتماعی، بحث درباره حکومت و دولت - شاه و وزرا - مورد خطاب نویسندگان قرار گرفت و طرح اندیشه‌های نو، فضای شعر و نثر عصر مشروطه را تحت تأثیر قرار داد. این‌ها البته مسائلی است که در آثار گذشته، آن گونه که بایسته است کمتر نمود پیدا کرده بود:

بنگر خدا را آرام جانت	«قسم بذاتت ای شاه ایران
بملک ایران	مگر نداند این سخن روشن ضمیران
ظلم وزیران	گشته عمر مرد و زن جور اسیران
ای قوم ضلالت	چه سان شقاوت چه شد حمیت
چه شد عداوت	چه سان عداوت
شده ایام جهالت	چه شد عداوت

و در ادامه:

شاهها رها کن ظلم و ستم را	رسوا مکن پیش جمشید و جم را
مشروطه ما را خسروا کن روا	عقده از دل وا کن تو با ما مدارا کن تو ^۲

با این که قسمت عمده نوشته‌ها و آثار کهن فارسی را شعر تشکیل می‌داد، نثر فارسی شیوه ادبی نوظهوری نبود؛ اما غالباً ویژگی انتفاعی و ابزاری داشت و محدود به

۱. انجمن، س ۱، ش ۵۹، ص ۲-۳.

۲. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک‌پور، مدح نهضت مشروطه / مجلس و انجمن، بی تا.

تاریخ‌نویسی و ترسّل و نگارش احکام حکومتی و مقامه‌نویسی و به ندرت، قصّه و حکایت و بعضاً رسالات فلسفی، تاریخی، اخلاقی و مانند آنها بود.

شیوه‌ای که بنای آن بر سادگی زبان و نزدیکی آن به گفتار از طریق راهیابی اصطلاحات و واژگان گفتاری به نثر و پرهیز از پیرایه‌های ادبی بود و خود متأثر از روحيّات عجول آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۱ق) بود که از لفاظی در مکاتبات دولتی متنفر بود و دبیران را مجبور می‌کرد نامه‌ها و مکاتبات را به ساده‌ترین صورت ممکن بنویسند.^۱ این سنت دیرینه در آستانه نهضت مشروطه دگرگون شد و مانند شعر و شاید بیشتر از آن اهمّیت پیدا کرد. این خصلت با فنّ ترجمه و روزنامه‌نویسی که مروج آن بودند، سازگاری بیشتری داشت و به علت حجم بالای این آثار در دوره قاجار، ساده‌نویسی بیش از پیش رواج یافت و با سرعت رو به گسترش نهاد و هر چه بیشتر بر توان و بالندگی نثر فارسی افزود.

عهد قاجار تلاشی بود برای همگام شدن با نظام نوین جهانی؛ بر همین رویه است که پیدایش مفهوم آزادی و قانون را بایستی حاصل تلاش متفکرانی دانست که سال‌ها پیش از تاریخ رسمی وقوع نهضت مشروطه (۱۳۲۴ق) به تبیین این مفهوم همّت گماشتند. سخنی که بعدها در سایه همین اندیشه‌های مشروطه‌خواهی در گستره ادب فارسی، با موضوعاتی جدید در جهت آگاهی اجتماعی وارد شد و مسائلی را مطرح کرد که در آثار گذشته کمتر نشانه‌ای از آنها می‌توان یافت و از آن همواره با عنوان «آثار و مکتوبات سیاسی» یاد می‌شود.^۲

محوریت و موضوع اصلی این سخنان بیشتر با میهن‌پرستی و انتقاد اجتماعی بود تا بدان جا که شیواترین نمونه این نوع آثار نیز با نظر اعضای انجمن ایالتی آذربایجان و توسط جریده ملی/انجمن با مفاهیمی چون مشروطیت و آزادی منتشر می‌شد:

۱. نفیسی، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، ج ۱، ص ۷۳.

۲. درویش، «نگاهی گذرا به ادبیات در دوره مشروطه»، کتاب ماه ادبیات، ش ۱۶، ص ۵۶.

روزنامه واسطه انتشار افکار عمومی و واسطه انتشار معلومات صلاح
ملّی است و آزادی در مقام سعادت‌مندی و بخت‌یاری؛ لکن سعادت‌مندی را
کسی نمی‌تواند مالک شود مگر با مساوات و عدالت و علم. چنانکه آن
را مشروطیت می‌گویند و ملت بواسطه اتحاد حقیقی و قلبی قانون وضع
نمایند.^۱

از جمله مطالب دیگر که در این گونه آثار متجدّد ظهور یافت، مسأله ستایش وطن بود
که بازتاب گسترده داشت.^۲ در این دوره، واژه وطن به متون ادبی راه یافت و بحث از
وطن‌دوستی و وطن‌پروری مبنا و محور قرار گرفت تا بدان جا که عطف بر همین
اندیشه‌های ادبیات سیاسی بود که در شماره سوم از سال دوم روزنامه ملّی انجمن نیز
تجلی یافته است:

همین قدر بایست دانست که نیات عالیّه و مقاصد حسنه اصل وطن‌پرستی
اینست انسان برای تأمین حال و استقبال وطن و هیئت اجتماعیه انسانی خدمت
بکند.^۳

در ادامه، باور بر عدالت اجتماعی، برابری و رفع تبعیض طبقاتی، آموزش رایگان
برای همه، مبارزه با فقر و توجه به امور خیریه بود که منجر به ظهور آثار و نوشته‌های
ادبیات کارگری عصر مشروطه گردید و آن گونه که بایسته بود از جهت‌گیری‌های
اجتماعی ادبیات سیاسی این دوره و در راستای نیل به اهداف انجمن ایالتی به
شمار می‌آمد.

۱. انجمن، س ۱، ش ۲۷، ص ۳.

۲. نقی پور، «وطن در شعر عارف قزوینی»، نامه پارسی، ش ۵۳، ص ۵۱.

۳. انجمن، س ۲، ش ۳، ص ۳.

د) ظهور گونه‌های جدید ادبی در ایران

سفرنامه، خاطره‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی، مقاله و گزارش‌نویسی به شیوه جدید و فرنگی آن که از رهاوردهای ادبی دوره قاجاری و ادبیات آستانه مشروطه است، همراه با هنر طنزنویسی که از گذشته‌های دور در ادب فارسی به شکلی کاملاً فنی و تخصصی برای خواص ادامه داشت؛ در این دوره به هنری عام و مردمی بدل شد و سر از روزنامه‌ها درآورد و توانست اثر شگرفی بر جریان‌های سیاسی و فرهنگی عصر مشروطه بگذارد.^۱

چنان که پس از دورانی به نسبت راکد و بی‌حرکت، مردمی را که سخنوری در سرشت خود داشتند و همواره فصاحت ادبی خود را به مثابه ذخیره‌ای فرهنگی نگاه می‌داشتند، بار دیگر شور بیان ادبی فرا گرفت و از آن جا که شعر کلیشه‌ای و قواعد غالباً فرسوده آن، فاقد بیان و توانی بود که اندیشه‌های نوین می‌طلبید، نثر، ابزار ادبی چیره نویسندگان شد برای مبارزه و آگاهی مردمی؛ و ضرورت توجه به قشر فرودست، نثر را در برابر شعر مردمی‌تر کرد و بدین ترتیب نثر تاریخی از حیث محتوا برای نیازهای ساده و مردمی با نوعی رویکرد اجتماعی و سیاسی به کار گرفته شد تا آن جا که به گفته یکی از ادیبان و پژوهشگران معاصر، این دوره را می‌توان «دوره نثر در تاریخ‌نگاری ادبی ایران» دانست.^۲

نثر در این برهه - جدای از شعر و مستقل از آن - تحت عنوان «نوجویی» توانست به راحتی در خدمت شرایط جدید در آید و آن منزلت را پیدا کند که پس از قرن‌ها، حرمتی هم پای شعر و بلکه افزون اصل کند. همان نثر که پیش از این کاربردی محدود داشت، حال با تغییر مخاطب از معدود اهل فضل به قاطبه خوانندگان، قابلیت‌ها و استعدادهای خود را هم‌زمان با تحولات تازه در ادبیات این دوره و در قلمرو جدیدی نشان می‌داد.^۳

۱. یاحقی، چون سبوی تشنه، ص ۱۷-۲۲.

۲. ناتل خانلری، «نثر فارسی در دوره اخیر»، ضمیمه نامه فرهنگستان، ش ۳۷، ص ۴۰.

۳. امامی و دلاویز، «مشروطه‌سازان ادبی»، فصلنامه تاریخ ادبیات فارسی، ش ۵۹/۳، ص ۱۱-۱۲.

ه) راه یابی مفاهیم جدید به دنیای شعر عصر مشروطه

کم‌کم با ایجاد تحوّل در نظام فکری مردم و تقابل عموم مردم با مفاهیم دنیای مدرن، این مفاهیم به شعر مشروطه وارد شد. دیگر، شاعران کمتر از روی و موی و خط و زلف معشوق سخن گفتند و به جای آن واژگانی چون وطن، آزادی، عدالت و مساوات در شعر مشروطه مجال بروز یافت.

در باور روشنگران عصر مشروطه، محیط بحران‌زده ایران با معضلاتی سیاسی و اجتماعی گریبان‌گیر بود و نویسندگان و روشنفکران در پی آن بودند تا به مدد اندیشه و قلم خود، نوشداری برای ملت در حال احتضار فراهم آورند و این نوشداری چیزی جز آگاه کردن مردم از آن چه در پیرامونشان می‌گذشت، نبود. هر یک از این روشنفکران و نویسندگان برای رسیدن به اهداف خود که آگاه کردن مردم از شرایط خود و شیوه حکومت‌داری حاکمان وقت بود، راهی را برگزیدند و هر یک مسلک ادبی منحصر به خویش را در چارچوبی آگاهانه که بیشتر به سمت ساده‌نویسی در جریان بود، انتخاب کردند تا بتوانند دریافت‌های خود را به خوانندگان که بیشتر مردمان عوام و متوسط جامعه را در بر می‌گرفت، برسانند.

آه ای آزادگان از دست استبداد داد خانمان شش هزاران ساله را بر باد داد
یک نفر کز مادرش هنگام زاد آزاد زاد هر چه خود را بدست جور استبداد داد
مردم از هر گوشه می‌آید این فریاد آه ای آزادگان از دست استبداد داد^۱

اما محیط اختناق‌زده آن روزگار، مجال هر گونه سخن گفتن درباره آزادی، عدالت اجتماعی و اصلاحات را غیرممکن ساخته بود. از این روی بود که عصر کشاکش سیاسی و زورآزمایی ملت با دولت برای رسیدن به آزادی و قانون را بعدها «عصر بیداری» نام

۱. انجمن. س ۱، ش ۴۴، ص ۴.

نهادند.^۱ یقین، مرحله تحوّل که شعر و ادب عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ‌نگاری فارسی بی‌سابقه بود؛ از آن جهت که آثار ادبی گوناگونی به وجود آمد که با مردم به زبان خود آنان سخن رفت و در آن به شرح رنج‌ها، خواست‌ها، آرزوها، عشق‌ها، غم‌ها و شادی‌های عامّه مردم پرداخته شد. برای نمونه:

رشک عالم گشت ایران از بنای انجمن لازم آمد اهل ایران را ثنای انجمن
عاقلان هر دیار از گوشه بیرون آمدند تا بر افرازند بر گردون لوای انجمن
آن که باشد مستبد و خائن و ظالم بگو باش خواهی شد باین زودی گدای انجمن
حالی ای اهل ایران همتی باید نمود خدمت باید کند هر کس برای انجمن
خواب غفلت تا به کی بیدار می‌باید شدن زان که بگرفته است عالم را ندای انجمن
همت و غیرت بیاموزید زان مرد غیور کرد جان نازنیش را فدای انجمن
با اساس خویش و با تدبیر و رأی انجمن^۲

یقین درباره اشاعه و تعمیق همین اندیشه‌ها و فرهنگ از سوی انجمن ایالتی آذربایجان بود که صدرهاشمی می‌نویسد:

روزنامه انجمن منسوب به انجمن مقدّس ایالتی که از وقایع اتفاقیه تبریز و

سایر بلاد آذربایجان و ایران در نهایت آزادی سخن می‌رانند.^۳

(و سرنوشت آثار ادبی در عصر مشروطه

از دیگر دستاوردهای مهمّ مشروطیت، آگاه شدن مردم و شکستن رسم تقدیرگرایی تاریخی بود که در جنبه‌های مختلف از جمله نوشته‌های ادبی، آثار و عوارض خود را نشان داد. القای این نکته مهمّ توسط منتقدان جنبش مشروطیت که هر چیزی، حتی سنت‌های

۱. آربین پور، *از صبا تا نیما*، ص ۲۸۷.

۲. *انجمن*. س ۱، ش ۵۲، ص ۲.

۳. صدرهاشمی، *تاریخ جراید و مجلّات ایران*، ج ۱، ص ۲۸۷.

دیرسال و نام‌های بزرگ، قابل نقد توانند بود، برآیند ارزشمند تلاش و انتقادات اهل مشروطه است که تأثیر شگرفی در تحوّل فکری جامعه داشت و بنیان‌های عقلانی فرهنگ مردم را تقویت می‌کرد. این امر بی‌سابقه بود. زیرا همواره نوعی الزام ناخودآگاه در رعایت حرمت بی‌چون و چرای سنت‌ها و بزرگان در همه حال و تحت هر شرایطی در طول تاریخ وجود داشت که مانع از کند و کاو نقّادانه و بی‌ملاحظه در آثار ادبی می‌شد.

مشروطیت برای نقد آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی ادب فارسی، راهی گشود و مجال پدید آورد تا همگان برای نخستین بار تأثیرات منفی را که به واسطه برخی اصول فکری و اخلاقی ادب فارسی در شخصیت و رفتار آحاد جامعه ایرانی رسوخ و رسوب کرده بود، دریابند. اما از آن جا که یکی از گرفتاری‌های ایرانیان است که پیش‌آمدها را زود فراموش کنند^۱ همانا این تقدیرگرایی به زعم بسیاری، مشخصه‌ای از مشخصات فکری ایرانیان گردیده و به نوبه خود، آسیب‌های اجتماعی و تاریخی بسیاری را متوجّه ایران نموده است. لذا، در دوره‌هایی این ویژگی تشدید یافته و تا حدّ زیادی توانسته روح و تفکر ایرانیان را تحت تأثیر قرار دهد و از این طریق موجب ایستایی فکری و فرهنگی جامعه گردد. آن چنان که فرهنگ ایرانی در طول حیات خویش، هیچگاه در پی شکستن راز تقدیر برنیامده و همواره آن را پذیرا بوده است.^۲

از این لحاظ به یاری انجمن و مکتوبات *روزنامه انجمن*، پذیرش کورکورانه و اطاعت بی‌چون و چرا از قدما و سنن تا حدّی در این برهه خاصّ منسوخ شد و زمینه تشکیک و تردیدی سازنده فراهم گردید که راه را برای اندیشه‌هایی مُستدل و عاری از تعلق خاطر و نگرش مریدانه و احساسی صرف هموار گردانید؛ اما چون در طول تاریخ، مظاهر سنتی، تقدّسی بیش از حدّ می‌یابند طوری که هر گونه تردید در آن گناه محسوب می‌شود و

۱. کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ج ۱، ص ۶.

۲. مختاری، انسان در شعر معاصر، ص ۱۱۹-۱۲۰.

پذیرش هر گونه نوآوری و احساس نیاز بدان و نیز هر گونه تخطی از مسیر سنت غیرممکن می‌شود، نهایتاً سنت‌ها تداوم یافته، نوآوری‌ها محکوم گردیدند.^۱ از این حیث، نمونه بارز این دگرگونی و دور شدن از بنیان‌های جدید به فراخور موضوع سخن، در این شعر قابل اعتنا است:

صد شکر که مشروطه فنا شد به به چه بجا شد
 عالم همه دیدند که این کار خدا شد به به چه بجا شد...
 یاران همه امروز به مقصود رسیدند برچیده شد آن مجلس مشروطه که چیدند
 دیدید که بر مجلس و مشروطه چه‌ها شد به به چه بجا شد
 ای مجلسیان داد ز رسوائی مجلس نزد همه مردم
 فریاد از آن نطق و خودآرائی مجلس افسوس هنگام تکلم
 از آن خجلت و خودآرائی مجلس یکباره بشد گم
 مجلس به هدر رفت و هوا گشت و فنا شد به به چه بجا شد
 هر سعی که کردند هدر گشت و هوا شد به به چه بجا شد
 هر جا که بود انجمن جای تحصن یکسان شده با خاک
 با توپ شرر بار فتاد از پی و از بن ... زد آه بر افلاک...^۲

بر اساس همین اندیشه‌ها بود که تقابل سرنوشت‌ساز تحت عنوان نزاع کهنه و نو که بعد از گذشت قرون متمادی تقابل متجددین و سنت‌گرایان را ممکن ساخته بود و می‌توان آن را میراث عصر مشروطیت در حوزه ادب فارسی و ماحصل کار انجمن ایالتی آذربایجان

۱. امین پور، سنت و نوآوری در شعر معاصر، ص ۱۲۲-۱۲۹.

۲. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک پور، تقبیح نهضت مشروطه/ مجلس شورای ملی و انجمن،

و اعضای روشنگر آن به حساب آورد، به اهدافی که در سر می‌پروراند نائل نگردید.^۱ مطلوب مشروطه‌خواهان در آذربایجان یک ارزش و حرکت نو بود اما این ضرورت نو در دل کهنه، به صورت تجربه مستمر در نیامده بود. آنچه آغاز شد، تند و هیجانی آغاز شد و می‌توانست همچنان با فروکش هیجان پایان گیرد. یعنی از آن اقبال شتابناک، می‌شد به آسانی و با شتاب به آغوش سنت فردی بازگشت.^۲

آنگه دو و سه روز و کلا بهر ریاست مشروطه طلب کشته و آخر خنو شد
دیدى که چه طور شد

از طنجه هياهوى اطلاق انجمن امروز مجلس نتوان گفت که حمام گرو شد
دیدى که چه طور شد

آشى که به دولت می‌پزیدند به مطبخ طبایخ قضا دم زده دیدند که پلو شد
دیدى که چه طو شد ای وای از این روز که هنگام درو شد^۳

بدیهی است از آن جا که هر جریانی در اوج خویش سقوطش را می‌پرورد، به همین سیاق بود که آثار و مکتوبات مشروطه نیز تقریباً با به کرسی نشستن نهضت آن، از بین رفت.^۴ با این همه نمی‌توان یک‌باره منکر تحولات عمده‌ای شد که به یاری انجمن ایالتی آذربایجان، در دوران نهضت مشروطیت و رویدادهای پس از آن در ایران اتفاق افتاد.

نتیجه‌گیری

بستر و فرصتی که جنبش مشروطیت فراهم ساخت و به تبع آن با شکل‌گیری انجمن ایالتی تعالی یافت، تحولات و نتایجی با جنبه‌های بدیع و ارزنده به همراه داشت. شکست

۱. مددپور، تجلّد و دین زدایی در فرهنگ و هنر منورالفکران ایران، ص ۱۹۷-۲۰۱.

۲. مختاری، انسان در شعر معاصر، ص ۱۵۷.

۳. آرشیو اسناد مجموعه شخصی نیک‌پور، شکست نهضت مشروطه / مجلس و انجمن، بی‌تا.

۴. سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران، ص ۹۱.

ساختار سنتی اذهان و پندارهای کهنه سیاسی - اجتماعی گذشته و تجلی اندیشه‌های تازه در زمینه‌های مختلف که از مفاخر آن است، پیشرفت‌های شگرفی در حیطه علم و فرهنگ را موجب شد. از آن جا که پیش از این، قلمرو محدود اذهان و دلبستگی متعبدانه نسبت به باورها و سنن ناکارآمد در بسیاری موارد جامعه ایرانی را دچار سردرگمی و فترت کرده بود، نگرش متفاوت و آرای منتقدانه روشنفکران عصر مشروطیت، زمینه ادراکات و پذیرش نوینی در حوزه‌های مختلف ایجاد نمود و این امر مقدمات تغییرات اساسی را فراهم آورده، اسباب پویایی و مدرنیته (تجدد) جامعه ایرانی را تا حدودی ممکن ساخت.

متعاقب این تحولات و از دیگر مباحثات، ارائه تعریف جدیدی متناسب با احوالات آن روزگار در حوزه ادبیات بود که منتقدان مشروطیت در تکوین آن نقش اساسی داشته، در تدوین آن توفیق یافتند. آنها توانستند نگرش و گیرایش اهل ادب را به سمت و سوی تازه سوق دهند؛ همچنین توقع و انتظار جامعه از ادبیات و خالقان آثار ادبی را ترفیع بخشند. ماحصل این امر، مردمی شدن ادبیات و بیان حقایق زندگی مردم و نیز پیوند آن با خصلت بیدارگری و یک عهد تازه به نام تعهد اجتماعی و انسانی بود که توانست رسالت جدیدی برای آثار ادبی تلقی گردد.

از این روی می‌توان نتیجه گرفت همانطور که سنت در همه ارکان و مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی در جریان بوده است، نوظهوری و ترقی‌خواهی نیز به مثابه آن، رخت از میان نبست و به موازات آن ریشه در تاریخ و ادبیات کهن ایران داشت. این آرمان در عصر مشروطه که سرآغاز ادبیات معاصر ایران قلمداد گردید، طرحی نو افکند و هر چند موقت، سنت را کنار زده، آرام آرام در مسیر حرکت، جایی برای خویش باز کرد و همانند فکر نو و اندیشه نو انضمام نیافت و همچون آزادی در یک دوره هر چند کوتاه، بر سنت پیشی گرفت. گو این که این سنت بود که مجدداً جلوه بیشتری نمایان کرد؛ چنان که در بازگشت به ارزش‌های قدیم و تداوم سنت‌های پیشامشروطه به شکست نوآوری‌ها انجامید.

منابع

۱. آراین پور، یحیی، *از صبا تا نیما*، ششم، تهران: زوار، ۱۳۸۲.
۲. آژند، یعقوب، *انواع ادبی در ایران امروز*، اول، تهران: قطره، ۱۳۸۳.
۳. امامی، نصرالله و مسعود دلاویز، «مشروطه سازان ادبی»، فصلنامه تاریخ ادبیات فارسی، زمستان ۸۷، شماره ۵۹/۳، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۴. امین پور، قیصر، *سنت و نوآوری در شعر معاصر*، اول، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
۵. براون، ادوارد، *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه محمد عباسی، اول، تهران: علم، ۱۳۸۶.
۶. براون، ادوارد، *نامه‌هائی از تبریز*، ترجمه حسن جوادی، سوم، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۹.
۷. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *تصویری از عارف قزوینی در کنار طرفداران نهضت مشروطه و برخی از اعضای انجمن تبریز*.
۸. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *یک برگ سند پشت و رو در مدح نهضت مشروطه و تقبیح پادشاه ایران / مدح پادشاه و ولیعهد و تقبیح نهضت مشروطه*، مجلس شورای ملی و انجمن تبریز.
۹. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *یک برگ سند پشت و رو در توصیف نهضت مشروطه از آغاز تا سرانجام آن*.
۱۰. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *یک برگ سند در توصیف فقدان عدل و داد*.
۱۱. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *یک برگ سند درباره شکست نهضت مشروطه*، مجلس شورای ملی و انجمن تبریز.
۱۲. تبریز، ایران، اسناد شخصی امیرحسین نیک پور، *یک برگ سند درباره مدح نهضت مشروطه*، مجلس شورای ملی و انجمن تبریز.
۱۳. حقوقی، محمد، *مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران*، دوم، تهران: قطره، ۱۳۷۷.
۱۴. درویش، پروانه، «نگاهی گذرا به ادبیات در دوره مشروطه»، کتاب ماه ادبیات، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۱۶، پیاپی ۱۳۰، تهران: خانه کتاب.

۱۵. دستغیب، عبدالعلی، *گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران*، اول، تبریز: خنیا، ۱۳۷۱.
۱۶. ذاکر حسین، عبدالرحیم، *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۷. روزنامه *انجمن تبریز*، سال ۱.
۱۸. روزنامه *انجمن تبریز*، سال ۲.
۱۹. روزنامه *انجمن تبریز*، سال ۳.
۲۰. زرین کوب، حمید، *چشم انداز شعر نو فارسی*، اول، تهران: توس، ۱۳۵۸.
۲۱. سپانلو، محمدعلی، *نویسندگان پیشرو ایران*، پنجم، تهران: نگاه، ۱۳۷۴.
۲۲. شمس لنگرودی، محمد، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، سوم، تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
۲۳. صدرهاشمی، محمد، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، دوم، اصفهان: کمال، ۱۳۶۳.
۲۴. صفا، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، سوم، تهران: فردوس، ۱۳۶۸.
۲۵. طباطبائی، محیط، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، اول، تهران: بعثت، ۱۳۶۶.
۲۶. فرجیان، مرتضی و محمدباقر نجف زاده بارفروش، *طنزسرایان ایران از مشروطه تا انقلاب*، اول، تهران: بنیاد، ۱۳۷۰.
۲۷. قاضی مرادی، حسن، *خودمداری ایرانیان*، اول، تهران: ارمغان، ۱۳۷۸.
۲۸. قایم مقام، میرزا بزرگ، *بی تا، رساله جهادیه*، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، شماره ۱۳۰۰۷.
۲۹. کرمانی، ناظم الاسلام، *تاریخ بیداری ایرانیان*، بنیاد فرهنگ ایران. اول، تهران: چاپخانه صبح امروز - خواجه، ۱۳۴۶.
۳۰. کسروی، احمد، *تاریخ مشروطه ایران*، اول، تهران: چاپخانه تابان، ۱۳۱۹.
۳۱. کوهستانی نژاد، مسعود، *مشروطیت ایران و زمان فارسی*، اول، تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶.
۳۲. گودرزی، غلامرضا، *دین و روشنفکران مشروطه*، اول، تهران: اختران، ۱۳۸۳.
۳۳. مجیدی، موسی، *تاریخچه و تحلیل روزنامه‌های آذربایجان*، اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۲.

۳۴. مختاری، محمد، *انسان در شعر معاصر*، دوم، تهران: توس، ۱۳۷۸.
۳۵. مددیپور، محمد، *تجدد و دین‌زدایی در فرهنگ و هنر منورالفکران ایران*، دوم، تهران: سالکان، ۱۳۷۳.
۳۶. مومنی، باقر، *ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه*، پنجم، تهران: دیبا، ۱۳۵۷.
۳۷. میرزا ابوطالب خان، (۱۳۵۲) *مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان*، به کوشش حسین خدیو، تهران: انتشارات فرانکلین.
۳۸. ناتل خانلری، پرویز، «*نثر فارسی در دوره اخیر؛ گزارش به نخستین کنگره نویسندگان ایران - مروری بر تاریخ نگاری معاصر*»، ضمیمه نامه فرهنگستان، تابستان ۱۳۲۵، ۱۳۸۸، شماره ۳۷، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۳۹. نفیسی، سعید، *تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران*، نهم، تهران: بنیاد، ۱۳۷۲.
۴۰. نقی‌پور، محمد مهدی، «*وطن در شعر عارف قزوینی*»، نامه پارسی، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۵۳، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
۴۱. یاحقی، محمدجعفر، *چون سبوی تشنه* (تاریخ ادبیات معاصر فارسی)، اول، تهران: جامی، ۱۳۷۴.
۴۲. یوسفی، غلامحسین، *برگهایی در آغوش باد*، سوم، تهران: علمی، ۱۳۷۸.

